

جایگاه و چگونگی تأثیر تکریم در تربیت اخلاقی در دوره کودکی

* حسین مقیسه

** ابراهیم نوئی

*** سید مصطفی موسوی

چکیده

هدف این پژوهش تبیین جایگاه تکریم در تربیت اخلاقی و تحلیل چگونگی سازوکار تأثیر آن در رشد اخلاقی در دوره کودکی است. این پژوهش با استفاده از روش‌های توصیفی، تحلیلی و استنتاجی به واکاوی متون اسلامی و تربیتی در رابطه با تکریم پرداخته است. نتیجه بررسی‌ها گویای آن است که تکریم از جهت آنکه سبب ایجاد احساس ارزشمندی می‌گردد زمینه شکل‌گیری خود پنداره مثبت در دوره کودکی می‌گردد. و خودپنداره مثبت عامل پذیرش ارزش‌های اخلاقی، تکلیف‌پذیری در برابر خدا، قانون‌پذیری در رابطه با جامعه و شجاعت و مسئولیت‌پذیری در دوره‌های نوجوانی و جوانی است. برای عملیاتی کردن اصل تکریم در اولین مرحله توانمندسازی مربیان و والدین، براساس مثلث افکار، احساس و رفتار است که از جمله مهم‌ترین توانمندی‌های مربیان در سطح شناختی، انتظار واقع‌بینانه داشتن و در سطح عاطفی، پذیرش و عاطفه مثبت و در سطح رفتاری تعامل مثبت با توجه به ابعاد رشدی است.

واژگان کلیدی

رشد اخلاقی، تربیت کودک، تربیت اخلاقی، تکریم.

h_moghiseh@sbu.ac.ir

ebrahim.noei@yahoo.com

mosavi135937@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی.

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی.

*** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

طرح مسئله

یکی از سیاست‌های مقابله با خصلت‌ها و رفتارهای منفی، رویکرد پیشگیرانه است. در این رویکرد، تلاش مربی مصروف آن است که واقعه را قبل از وقوع علاج کند و به شکلی رفتار می‌کند که سیر رشد و تعالی متربی لطمه‌ای نبیند. در متون دینی این رویکرد مورد توجه قرار گرفته است و به شیوه‌های مختلف به چگونگی عوامل پیشگیرانه پرداخته شده است تا از فروافتادن متربی در ناهنجاری‌ها، جلوگیری کند. از جمله این عوامل زمینه‌ساز و پیشگیرانه، تکریم است که در متون اسلامی به‌عنوان یک عامل بازدارنده از رفتارهای منفی و عامل برانگیزاننده رفتارهای مثبت معرفی شده است و زمینه‌ساز تعادل اولیه و ارتباط مؤثر فرد با خدا، خود و جامعه می‌باشد؛ البته نباید غافل شد که مؤلفه‌های تکریم با توجه به نیازهای وجودی، تحولی و جنسیتی در مراحل رشد متغیراند و هر مقطع، سبک خاص خود را می‌طلبد. در مقطع کودکی به جهت آن که کودک تصویری از خود ندارد و شخصیت او در حال شکل‌گیری است، تکریم از اهمیت بیشتری برخوردار است تا شخصیت عزیزانه و بزرگوارانه در کودک شکل گیرد. از این رو، شناخت عناصر مختلف تکریم در این مرحله زندگی، از مباحث محوری در عرصه تربیت است و ارائه تعریف و تصویری صحیح از آن و نیز راهکارهایی جهت حسن اجرا و عملیاتی شدنش، می‌تواند والدین و مربیان را در فرایند تربیت انسان‌های متعادل و صالح، کمک کند.

آنچه به‌عنوان مسئله اول در این تحقیق مهم است، تحلیل این است که جایگاه تکریم چیست و به‌طور مشخص وسعت تأثیر اخلاقی آن چه مقدار است. مسئله دیگر چگونگی تکریم و عملیاتی کردن آن در دوره کودکی است. موضوع تکریم در بعضی از تحقیقات مطرح شده اما پژوهش‌های قابل‌اعتنایی در جایگاه و چگونگی تکریم براساس مثلث فکر، احساس و رفتار با توجه به مراحل رشد، انجام نشده است. دربخشی از تحقیقات به اصل تکریم ذاتی انسان توجه شده است. حمید آریان در مقاله کرامت ذاتی انسان در قران و مؤلفه‌ها و لوازم وجودی آن، به مؤلفه‌های کرامت در ساحت جسمانی و روحانی پرداخته است (آریان، مشایخی: ۱۳۹۷: ۳۷) همچنین یدالله پور در کتاب کرامت انسان به مؤلفه مختار بودن پرداخته است (یدالله پور، ۱۳۸۸: ۱۱۹). در بعضی از تحقیقات دیگر به روش‌ها و آثار تکریم توجه شده است. خسرو باقری در کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، کرامت انسان را به‌عنوان یک مبنا قرار داده و اصل عزت را از آن به دست می‌آورد و برای عزت‌نفس دو روش را پیشنهاد می‌کند (خسرو باقری، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۹۱) حسینی زاده در کتاب سیره پیامبرو اهل بیت علیهم‌السلام در تربیت فرزند یکی از نیازهای اساسی کودک را تکریم عنوان کرده و یازده مصداق رفتاری برای

تکریم بیان می‌کند (حسینی زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۱) و حاجیبابائیان در کتاب روش‌های تربیت یکی از روش‌های جهت دهنده اخلاق را روش تکریم شخصیت معرفی کرده و هفت مصداق رفتاری را بیان می‌کند. (حاجی بابائیان، ۱۳۹۱: ۲۵۳)

الف) مفهوم تکریم

تکریم از ریشه کرم (بر وزن فرس) مصدر و بر وزن تفعیل است. واژه کرم در لغت به معنای شرافت، نفاست و عزت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۵۱۰؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۳۶۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۴۵) و نقطه مقابل آن، لثامت و پستی است (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۱۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۵۱۰) و معانی دیگر مثل سخاوت و بخشش که در بعضی موارد ذکر شده از آثار کرم است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۴۵) با تکریم است که انسان‌ها حس ارزشمند بودن پیدا می‌کنند و به سمت خوبی‌ها حرکت می‌کنند. انسانی که تکریم می‌شود زمینه‌ای در او پدید می‌آید تا در مسیر رضایت الهی حرکت کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ش ۸۲۸۵) و سبب می‌شود انسان احساس احترام و دوستی نزد خدای متعال و مردم داشته باشد (همان: ش ۲۱۴۶) و محور رفتارهایش براساس خیر بوده و از شرور دور باشد (همان، ش ۹۶۹۳) و لذتش در خیر رساندن و داشتن منش نیکو و دوری کردن از پستی باشد. (همان، ش ۱۷۵۰۷) پس از مشخص شدن معنای تکریم به بررسی دایره تأثیرگذاری آن می‌پردازیم.

ب) اهمیت تکریم کودک

اولین بارقه‌های خود پنداره در نوزادی تشکیل می‌شوند؛ وقتی که نوزاد یاد می‌گیرد بعضی چیزها همیشه هستند و بعضی از چیزها فقط گهگاه وجود دارند (رندی جی، ۱۳۹۵: ۱۵۵) و در فرایند رشد در تعامل با والدین و مربیان، این خود پنداره تکمیل می‌شود و تصویر کودک از خود و شخصیت اولیه او شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که نسخه کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد آمد. بخصوص در هفت سال آغاز زندگی، این موضوع آن قدر اهمیت دارد که این دوران در روایتی از پیامبر خدا ﷺ، دوران سیادت و آقایی کودک شمرده شده است: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱ / ۹۵) فرزند، هفت سال سرور است. مقتضای سیادت و آقایی، تکریم متناسب با سیادت اوست؛ از این رو کودکانی که مورد محبت‌اند، والدین حمایت‌گر، والدین گرم، علاقه‌مند، متوجه و رهنمودگر دارند؛ به خود ارزشمندی گرایش دارند. رفتارهای تکریم محور والدین و مربیان نسبت به کودک در این مرحله از ابتدا سبب ایجاد تصویری عزیزانه و بزرگووارانه در او می‌شود و زمینه عملی شدن مضمون روایات

تکریم در تربیت اخلاقی فراهم می‌شود و از بسیاری از اختلالات در نوجوانی و جوانی جلوگیری می‌گردد و به همین دلیل امیرالمؤمنین علیه السلام در چشم‌انداز تربیت، ابتدا به تکریم توصیه می‌کند و می‌فرماید:

«أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفِرَ لَكُمْ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۴۷۶) در این روایت ابتدا

به اکرام و سپس به تأدیب توصیه شده و با در نظر گرفتن دیگر روایات، می‌تواند اشاره به این باشد که تکریم فرزند، اولین اصل برای تربیت او است و تا زمانی که با تکریم حس مثبت و ارزشمندی در فرزند شکل نگیرد، امکان نهادینه کردن آداب نیست.

در نگاه روان‌شناسان، افرادی که برای خود حرمت و احترام قائل‌اند در زندگی به شیوه مؤثر و کارآمد عمل می‌کنند. آنها می‌دانند که دوست‌داشتنی و توانا هستند و مجبور نیستند که به تخریب سایر افراد بپردازند؛ به آنها زور بگویند یا به آنها به چشم افرادی بی‌ارزش و یا بی‌اهمیت نگاه کنند. (جان بزرگی، ۱۳۸۹: ۱۲۴) بنابراین با نهادینه کردن تکریم، تعادل اولیه برای تثبیت رفتارهای مثبت و تعالی در مقاطع دیگر فراهم می‌گردد.

ج) جایگاه تکریم و دایره تأثیرگذاری آن در تربیت اخلاقی

در منابع اسلامی روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد تکریم، عامل زمینه‌ساز رفتارهای مثبت است که این روایات دودسته هستند: دسته اول روایاتی که به کمک این قاعده «اگر مفهومی در رأس همه مفاهیم باشد باید به‌گونه‌ای به کار رود که تأثیرگذاری در همه را نشان دهد» (پسندیده، ۷۱: ۱۳۹۱)، میتوان از آنها بر اینکه کارکرد تکریم، زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای مثبت و دوری از بسیاری از رفتارهای منفی است، استفاده کرد؛ از جمله اینکه کسی که احساس کرامت کند خود را با معصیت بی‌ارزش نمی‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ش ۶۳۴) و شهوات نزد او بی‌ارزش می‌شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷ / ۷۸)

و دسته دوم روایاتی که به کمک این قاعده که «سرآمد بودن یک مفهوم راه شناخت حوزه کاربرد آن است» (پسندیده، ۷۲: ۱۳۹۱) و با این ضمیمه که «اگر حوزه کاربرد مفهومی نشان دهد که شامل همه حوزه‌های رفتاری می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که عنوان عامی برای همه حوزه‌ها است» به این معرفت رسید که انسان‌های کریم در حوزه ارتباط با خدا، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ش ۸۲۸۵) مردم و خود (همان، ش ۳۳۶۶) مؤثر عمل می‌کنند.

در مقابل، حذف تکریم و خلاف تکریم عمل کردن، احساس بی‌ارزشی و فرومایگی را پدید می‌آورد که خود عامل ارتکاب ناروایی‌ها و گناهان دانسته شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۳۰۰)

مجموع این روایات و روایات دیگری که در مورد ویژگی‌های اهل کرامت و نقطه مقابل آن وارد شده به دلیل داشتن تواتر معنایی حجت هستند؛ چون در تواتر معنوی، خبر با الفاظی مختلف نقل می‌شود ولی معنا و مفهوم همه آنها یکی است؛ اعم از آنکه آن معنای واحد، معنای مطابقی الفاظ باشد یا معنای التزامی. دو جدول زیر تحلیلی از معکوس‌سازی روایات است که ویژگی‌های هر واژه را همراه با نفی ویژگی‌های واژه مقابل نشان می‌دهد.

تأمن شرّاً. ترجُ خیرَهُ	هانت علیهِ شهواتُهُ	من کرمت علیه نفسه
	هانت علیهِ الدنیا	
	لم یهنها بالمعصیة	

یهنها بالمعصیة. لم هانت علیهِ الدنیا. لم هانت علیهِ شهواتُهُ	لا تأمن شرّاً.	من هانت علیه نفسه
	فلا ترجُ خیرَهُ	

در جمع‌بندی این روایات این نتیجه به دست می‌آید: کسی که برای خودش ارزش داشته باشد، امیال نفسانی و دنیا سبب حرکت او در مسیر گناه‌ها نمی‌شود چون دنیا و امیال نفسانی برای او ارزشی ندارد و از این رو نفس خودش را دچار معصیت نمی‌کند و مردم از شر او در امان هستند و امید خیر از او می‌رود و در مقابل کسی که احساس ذلت و خواری در نفس می‌کند امیال نفسانی و لذات دنیوی برای او ارزشمند جلوه می‌کند و در نتیجه فقط دنبال لذات خود است و کارکرد بیرونی او به گونه‌ای است که مردم از شر او در امان نیستند و امید خیری به او نیست و خودش را با شهوات و معصیت به خواری می‌کشاند.

تحلیل روایات در زمینه چگونگی ارتباط بین تکریم و دوری از هواهای نفسانی و معصیت این است که اولاً: با تحلیل گزاره کرم واضح می‌شود این واژه در مواردی به کار می‌رود که در فرد احساس احترام و دوستی نزد خدای متعال و مردم داشته باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ش ۲۱۴۶) و از خدای متعال پروا داشته باشد. شخصیت چنین فردی به گونه‌ای است که رضایت الهی را دنبال می‌کند و محور رفتارها در این افراد براساس خیر است و شرور از آنها دور است (همان، ش ۹۶۹۳) و لذت آنها در خیر رساندن و داشتن منش نیکو و دوری کردن از پستی است؛ (همان، ش ۱۷۵۰۷) در نتیجه انسانی که ارتباط مؤثر با خدا، خود و مردم دارد و محوریت رفتارهایش بر خیر است، به سمت رفتارهای مثبت حرکت می‌کند و از پستی‌ها دوری می‌کند ثانیاً: خودکنترلی و مدیریت

نفس باید از درون جان انسان سرچشمه بگیرد و تا زمینه در درون ذات آماده نباشد، عوامل بیرونی تأثیر ندارند و این یک قاعده است که هر امر بیرونی باید ریشه در درون داشته باشد. (پسنیدیه، ۱۳۹۷: ۱۲۹)

یکی از عوامل درون‌ساز، ایجاد کرامت درونی است که فرد از خود حس مثبت و بزرگووارانه پیدا کند و براساس آن از افکار و کنش‌های پست دوری کند و رفتارهای کریمانه از او پدیدار گردد و ثالثاً: با تکریم و ایجاد حس شایستگی و ارزش‌مندی درونی، عقل عملی تقویت می‌شود و سبب می‌شود عقل عملی در راستای بایدونبایدهایی حرکت کند که مناسبت با شایستگی‌ها داشته باشد و از پستی‌ها و رذایل دوری کند؛ همانطور که یکی از اهداف اصلی تربیت اخلاقی در سیره پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام رشد عقل بوده است (داودی، ۱۳۹۰: ۷۶) افزون بر این، روایات دیگری وجود دارد که مصادیق رفتارهای اخلاقی انسان‌های دارای شخصیت و شرافت را معرفی کرده است که تأیید‌کننده مضمون روایات تکریم می‌باشند که در طرح مسئله بعضی از آنها ذکر شد.

د) چگونگی تکریم در چرخه فکر، احساس و رفتار

انسان موجود پیچیده‌ای است که دارای فکر، احساس و رفتار است و در این ابعاد تأثیرپذیری دارد؛ از این‌رو برای آنکه بتوان خودارزشمندی و کرامت ایجاد کرده و زمینه رشد اخلاقی فراهم را فراهم نمود، لازم است به این قاعده توجه کرد که «فکر، احساس و رفتاری مری و متربی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد». (جرالدکوری، ۱۳۹۹: ۴۱۶)

به‌طور مثال در یک موقعیت مثل کنجکاوی کردن کودک، اگر والدین فکرشان این باشد که کودک فضول است، این فکر سبب ایجاد احساس ناراحتی یا عصبانیت و در نتیجه رفتاری مثل کتک زدن یا داد زدن می‌شود و بعد از کتک زدن، کودک فکر می‌کند که او را دوست ندارند یا درکش نمی‌کنند و در نتیجه ناراحت می‌شود و رفتار منفی او ادامه پیدا می‌کند؛ هرچند ممکن است در ظاهر گاهی مخفی کند؛ آنگاه رفتار کودک سبب می‌شود والدین فکر کنند که کودک بی‌توجه است و به آنها بی‌اعتنایی شده و در نتیجه ناراحت شده و او را تنبیه کنند. سپس در کودک دوباره فکر دوست‌نداشتن و بی‌ارزش بودن پدیدار می‌شود و احساس ناامیدی می‌کند و همین‌طور رفتارهای منفی در ظاهر یا پنهان ادامه پیدا می‌کند اگر این چرخه ادامه پیدا کند باورهای منفی در کودک تثبیت می‌شود و وقتی باورهای منفی از خود باهم جمع شود ذلت و خودکم‌بینی ایجاد می‌شود. برای آن که تکریم و خودارزشمندی در کودک ایجاد شود چرخه فکر، احساس و رفتار نسبت به کودک باید به‌صورت صحیح پدید آید و در این سه محور با توجه به شناخت از مقاطع سنی برنامه وجود داشته

باشد. در محور افکار، مهم‌ترین رکن آگاهی و تنظیم انتظارات ذهنی والدین و مربیان با ویژگی‌های سنی متربی است که در محور احساس، پذیرش و عاطفه مثبت و در محور رفتار تعامل مثبت، نقش مهمی در شکل‌دهی تکریم دارد که به هر کدام به تفصیل پرداخته می‌شود.

۱. انتظار واقع‌بینانه

تنظیم و هماهنگی فکری متصدیان تربیت براساس توانمندی‌های کودک یکی از عوامل زمینه‌ساز در شکل‌دهی تکریم است چرا که کودک دارای توانمندی‌های شناختی، عاطفی و جسمی خاصی است (گاربر، ۱۳۹۲: ۱۱) و لازم است انتظارات والدین براساس آن توانایی‌ها تنظیم شود. اگر توقع والدین و مربیان بیشتر از واقعیت‌های رشدی باشد، دستورها یا قانون‌هایی را برای کودک در نظر می‌گیرند که کودک ناتوان از درک و انجام آن است و این سبب نافرمانی می‌شود و نافرمانی احساس گناه و اضطراب را در کودک به وجود می‌آورد و درنهایت با برخورد منفی والدین مثل تحقیر و سرزنش و تنبیه مواجه می‌شود و خود پنداره منفی در کودک ایجاد می‌شود و روان بنه حقارت شکل می‌گیرد و در نتیجه خود را ذلیل و حقیر می‌شمارد و مصداق روایت «من هانت علیه نفسه» می‌گردد و در صورت تداوم و تثبیت این حالت در کودک منشأ رفتارهای غیراخلاقی و ناهنجار خواهد شد. در مقابل، تنظیم انتظارات براساس سنین رشد باعث می‌شود انتظارات، دستورها و خواسته‌ها با توان کودک تناسب پیدا کند و خواسته‌ها از ناحیه کودک برآورده شود و توجه و تشویق و محبت والدین، حس ارزشمندی و روان بنه مثبت را در کودک ایجاد کند. در روایتی صحیح‌السند امام صادق علیه السلام به نوع صحیح انتظارات اشاره می‌کند و می‌فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَيَّ يَرُّهُ قَالَ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يَبْعِيْنُهُ عَلَيَّ يَرُّهُ قَالَ يَقْبَلُ مَسُوْرَهُ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُوْرِهِ وَ لَا يَرْهُقُهُ وَ لَا يَجْرُقُ بِهِ وَ لَا يَسِيْبُهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَدْخُلَ فِي حَدِّ مِنْ حُدُوْدِ الْكُفْرِ إِلَّا أَنْ يَدْخُلَ فِي عُقُوْقِهِ أَوْ قَطِيْعَةِ رَحِمٍ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْجَنَّةُ طَيِّبَةٌ طَيِّبُهَا اللَّهُ وَ طَيِّبَ رِيْحُهَا يُوْجَدُ رِيْحُهَا مِنْ مَسِيْرَةِ الْفِيْ عَامٍ وَ لَا يَجِدُ رِيْحَ الْجَنَّةِ عَاقٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَحِمٍ وَ لَا مُرْخِي الْأِيْرَارِ حَيْلَاءَ. (ابن بابويه، ۱۴۱۳: ۳ / ۴۸۹)

خداوند کسی را که به خیر فرزندش یاری می‌دهد بیمارزدا! پرسیدند: چگونه به خیر فرزند یاری رساند؟ فرمودند: آنچه در توان اوست، پذیرا شود و از آنچه فوق توان اوست، درگذرد و جفا و ظلم به او نکند و او را نترساند.

این روایت زمینه شایسته شدن فرزند را در نگاه واقع‌بینانه داشتن از جهت انتظار و پذیرش امور در حد توان و اجتناب از انتظارات خارج از توان فرزند می‌داند که با جمله «يقبل ميسوره» به پذیرش

واقع‌بینانه کنش‌ها در حد توان جسمی و شناختی فرزند و در همان محدوده از او انتظار داشتن اشاره دارد و با جمله «یتجاوز عن معسوره» به این مطلب اشاره می‌کند که در تعامل با فرزند از هر آنچه خارج از رشد شناختی و حرکتی او است باید اجتناب کرد و بیشتر از توانش او را مکلف نکرد که در غیر این صورت او را در سختی و مشقت قرار داده و در نتیجه نافرمانی و عاق شدن را به همراه خواهد داشت.

۲. پذیرش و عاطفه مثبت

تمایل به تکریم و رعایت اصول تربیتی زمانی در مربی شکل می‌گیرد که در ابتدا کودک را با هر شخصیتی که دارد بدون سوگیری قبول کرد و این عاملی مهم در رشد و شکوفایی رفتاری به شمار می‌رود. وقتی کودک بدون قید و شرط ابتدا پذیرش می‌شود و سپس مورد توجه و محبت قرار گیرد احساس محبوب و خود ارزشمندی در او شکل می‌گیرد و این امر امنیت روانی کودک را که از نیازهای اولیه او است تأمین می‌کند.

پذیرش و عاطفه مثبت بی‌قید و شرط به آن است که برای محبت اما و اگر درست نکنیم. آنها باید بدانند که حتی اگر رفتارهای بدی هم داشته باشند شخصیت آنها همیشه مورد احترام است و در برخوردها، رفتارهای آنها است که مورد ارزیابی قرار می‌گیرد نه شخصیت آنها. (جان بزرگی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

در نقطه مقابل، عدم پذیرش و طرد نمودن، به احساس بی‌ارزشی منتهی می‌شود. این تجربیات اولیه کودکان در تحول حرمت خود و حس ارزشمندی بسیار مؤثر هستند و والدین شکل‌گیری احساس ارزشمندی یا بی‌ارزشی، خوب یا بد بودن را در همان چهار سال اول زندگی در کودکان ایجاد می‌کنند و ما می‌توانیم این احساس‌های کلی که به صورت روان بنه در ناهشیار کودک ایجاد شده را در قالب جمله‌هایی که کودکان هنگام توصیف خود به کار می‌برند دریابیم.

من خیلی بدم.

من آدم احمقی هستم.

من یک شناگر ماهری هستم. (همان: ۱۳۳)

در سیره و کلام اهل بیت علیهم‌السلام پذیرش و عاطفه مثبت بی‌قید و شرط بسیار دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که در مجموعه روایات در پذیرش و عاطفه مثبت به کودک قید و شرطی را نمی‌آورند و به صورت مطلق عاطفه مثبت از طرف والدین را توصیه می‌کنند. برای نمونه:

أَكثِرُوا مِنْ قُبْلَةِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ يَكُلُّ قُبْلَةَ دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ حُمْسِمَائَةِ عَامٍ. (حر

عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۴۸۵)

فرزندان خود را زیاد ببوسید؛ زیرا در هر بوسه برای شما درجه ای در بهشت است که فاصله آن پانصد سال است.»

در این روایت، به بوسیدن فرزندان توصیه شده است و برای هر بوسیدنی درجه و پاداشی در نظر گرفته شده است و بوسیدن فرزند که یکی از مصادیق عاطفه مثبت است، مقید به رفتار مثبت از طرف کودک نشده و در اصطلاح مطلق است و مقید به قیدی نشده است. در روایتی دیگر رسول الله ﷺ می فرماید: «کودکان را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید». (کلینی، ۱۴۲۹: ۴ / ۵۰) این روایت نیز صریحاً امر به محبت و ترحم به کودکان می کند و محبت و ترحم را مقید به رفتار مثبت کودک یا چیز دیگری نکرده است و عدم تقیید نشانگر آن است که ترحم و محبت به صورت مطلق مطلوب شارع است؛ بنابراین پذیرش در مرحله اول و نشان دادن عاطفه مثبت به کودک مورد توجه روایات بوده و مسلمانان به آن دعوت شده اند.

۳. تعامل مثبت

ابتدا باید توجه داشت که رویکرد اسلام در ارتباط مسلمانان باهم براساس رحمت و مهربانی بنا شده است (فتح / ۲۹) و ایمان، عامل ایجاد برادری است (حجرات / ۱۰) و مؤمن لازم است برادر ایمانی خویش را تجلیل کرده در دلش او را دوست بدارد. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۳۹۸) همچنین به فرموده امیر مومنان: «خداوند متعال عبد مؤمن را به خاطر ایمانش دوست می دارد و از عمل او کراهت دارد به خاطر حرام و ناپسند بودن» (خوئی، ۱۴۰۰: ۹ / ۲۳۰). بنابراین مسلمان به خاطر ایمانی که دارد لازم است مورد تکریم قرار گیرد و تعامل مثبت به عنوان یک قاعده اولیه در نظر گرفته شود.

یکی از لوازم تعامل مثبت در جامعه اسلامی، تفکیک نمودن و فرق گذاشتن بین عمل و عامل، نیکی و نیکوکار، بدی و بدکار است. اگر در جامعه اسلامی فرد مسلمانی تخلفی می کند با تخلف مقابله کنیم نه با ذات انسانی و ایمانی متخلف. از عمل او اظهار تبری نموده و عمل او را محکوم کنیم نه شخص و شخصیت او را. البته به این مرحله رسیدن گرچه فضیلتی فاخر و بزرگ است اما کاری سخت و دشوار و شاید برای بسیاری دست نیافتنی باشد. اولویت و استراتژی باید اشاعه معروف و مبارزه با منکر باشد نه بت سازی از عاملان به معروف و مبارزه با مرتکبان منکر؛ هرچند گاهی و تا حدودی توجه خاص به عاملان و مرتکبان، به عنوان تاکتیک های اجرایی و در میدان عمل، اجتناب ناپذیر باشد و در یک جمله، علی رغم صعوبت و سختی نظری و عملی، ما نباید جای استراتژی و تاکتیک را عوض کنیم که زبان های جبران ناپذیر در عرصه فکر و فرهنگ و باورها و اعتقادات دارد.

تعامل مثبت و در نظر گرفتن لوازم آن در عرصه تکریم و ایجاد ارزش‌مندی در دوره کودکی حساسیت ویژه‌ای می‌یابد و برای تقویت رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی، بسیار مهم است. کارن هورنای^۱ عامل تحول حرمت و عزت نفس کودک را در ارتباطات اجتماعی به‌ویژه در ارتباط بین فرزندان و والدین کودک می‌داند و بیان می‌کند که تعامل رفتاری منفی در عرصه این ارتباط منجر به ایجاد حرمت خود ضعیف و احساس خودکم بینی می‌شود که تعامل منفی والدین در قالب سلطه‌گری، بی‌تفاوتی، فقدان احترام، تحقیر، فقدان تحسین، فقدان گرمی، انزوا و تبعیض ظاهر می‌شود. (جان بزرگی، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

تعامل مثبت با کودکان در کلام و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام هم به گونه‌های مختلف وجود داشته و توصیه شده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: برخاستن و استقبال از فرزند و سلام کردن (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۱۲) اجازه خواستن برای گذشت از حقوق، پذیرش دعوت، عیادت از بیمار، (حسینی زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۸) با احترام صدا کردن، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۲۳۶) تحقیر نکردن، (کلینی، ۱۴۲۹: ۴ / ۷۱) رعایت عدالت (حکیمی، ۱۳۸۰: ۶ / ۶۱۳) و نظارت و کنترل (مجلسی، ۱۴۱۳: ۷۱ / ۱۹۰) (به نقل از حسینی زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۷) بنابراین تعامل مثبت، تکریم رفتاری است که نقش محوری در ایجاد حرمت و خود ارزشمندی در کودک دارد که در کودکی، تنظیم رفتار با توجه به ویژگی‌هایی شناختی، عاطفی و رفتاری حرکتی، قابل برنامه‌ریزی است.

ه) چگونگی تأثیر تکریم در تربیت اخلاقی کودک

در ارتباط با کودک با دو چرخه روبه‌رو هستیم: یکی چرخه فکر، احساس و رفتار مربی و والدین و دیگری چرخه افکار و احساس و رفتار کودک. وقتی مثلث افکار (انتظارات واقع‌بینانه)، احساس (پذیرش و محبت) و رفتار (تعامل مثبت) والدین و مربیان نسبت به کودک به‌درستی شکل گیرد، تعادل اولیه در مثلث فکری، احساسی و رفتار والدین و مربیان ایجاد می‌گردد و در نتیجه چرخه دومی در کودک به وجود می‌آید که در آن چرخه زمینه رفتار و افکار کریمانه و خودپنداره مثبت در کودک پدید می‌آید. با توجه به تحقیقاتی که دکتر جان بزرگی انجام داده‌اند با ایجاد خود پنداره مثبت زمینه امور زیر در کودک نمایان می‌شود:

۱. مسئولیت‌پذیری.
۲. تحمل ناکامی‌ها.
۳. کنترل فشار همسالان.
۴. تلاش برای انجام تکالیف.
۵. کنترل هیجان‌های منفی و مثبت و مقاومت در برابر خواسته‌های دیگران (جان بزرگی، ۱۳۸۵: ۱۴۱). به اعتقاد هارتر^۲ حرمت خود و احساس ارزش‌مندی با سلامت روان در زندگی آینده رابطه دارد و فقدان

1. Karen Horney.
2. Harter.

آن به بیماری هایی مثل افسردگی و اضطراب می‌انجامد (همان: ۱۸) با توجه به تحقیقات دکتر جان بزرگی می‌توان گفت با اموری که به واسطه تکریم و خو پنداره مثبت حاصل می‌گردد، زمینه ایجاد فضایل اخلاقی مهیا می‌گردد و افراد دارای خود پنداره مثبت معمولاً خدا پنداره و احساس خوبی نیز نسبت به زندگی خواهند داشت. آنها می‌توانند با اطمینان به خود و اطرافیان، با مشکلات و مسئولیت‌های زندگی مواجه شوند و از عهده آنها برآیند. در درمان مذهبی - معنوی در افرادی که خود پنداره معیوب وجود دارد، اصلاح و تعدیل خود پنداره، مقدمه و زمینه مهمی برای اصلاح خدا پنداره و سلامت روانی افراد است و یافته‌ها هم تأیید می‌کند که رابطه مثبت بین خود ارزشمندی و ادراک خدا به عنوان مهربان و بخشنده و رابطه منفی بین خود ارزشمندی و خدای تنبیه‌کننده و بی‌رحم وجود دارد (انصاری، جان بزرگی، ۱۳۹۵: ۱۱۵) بنابراین با تکریم و ایجاد خود پنداره مثبت، زمینه ارتباط با خدا و خود و جامعه به شکل مناسب فراهم می‌گردد. در هندسه معارف دینی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام تکریم با توجه به سه ضلع تعامل مثبت، انتظارات واقع‌بینانه و پذیرش و محبت نسبت به کودک توجه شده و نبود یا ضعف آنها عامل بعضی رذایل اخلاقی دانسته شده است. امام محمدباقر علیه‌السلام می‌فرماید:

قَالَ وَالِدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ إِنِّي لَصَانِعُ بَعْضِ وُلْدِي وَأَجْلِسُهُ عَلَيَّ فَيَخِذِي وَأَكْثَرُ لَهُ الْمَحَبَّةَ، وَأَكْثَرُ لَهُ الشُّكْرَ، وَإِنَّ كَانَ الْحَقَّ لِعَیْرِهِ مِنْ وُلْدِي، وَلَكِنْ مُحَافَظَةً عَلَيَّ مِنْهُ وَمِنْ غَيْرِهِ؛ لِئَلَّا يَصْنَعُوا بِهِ مَا فَعَلَ يُوْسُفُ إِخْوَتَهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱ / ۷۸)

به خدا سوگند برای حفظ ظاهر، گاه یکی از فرزندانم را بیشتر نوازش می‌کنم؛ او را روی زانو می‌نشانم و مهر و محبت بیشتری نوازش می‌کنم، با اینکه آن فرزند دیگرم شایسته این همه عنایت و تکریم است و نه این. ولی بر آنان می‌ترسم که از ناحیه فرزندان و یا دیگران آسیبی برسد همان‌طور که برادران یوسف به یوسف ستم نمودند.

امام باقر علیه‌السلام در این روایت در سبک فرزند پروری خود ابتدا احساس پذیرش و طرد نکردن فرزندی که روحیه حسادت دارد را مورد توجه قرار می‌دهد و از طرفی هم با شناختی که از روحیات کودکان دارد، انتظار واقع‌بینانه‌ای را در ذهن در نظر می‌گیرد و با تعامل مثبت در قالب روی زانو نشاندن و محبت کردن، زمینه حسادت را از بین می‌برد. بنابراین امام علیهم‌السلام با واقع‌بینی و شناختی که به فرزندان خود دارد برای پیشگیری از حسادت برخی از فرزندان خود و تبعات سوء آن، نه تنها نسبت به فرزندی که باید بیش از دیگران مورد محبت قرار گیرد، در ظاهر اظهار محبت

نمی‌کند؛ بلکه فرزند دیگری را که در معرض بیماری حسادت است، مورد لطف و محبت قرار می‌دهد و خودپنداره مثبت را در او ایجاد می‌کند تا بدین‌وسیله، او را تکریم کرده باشد و از طرفی هم فرزند برتر را از خطر حسادت برادر، حفظ نماید. در این سبک رفتاری، امام علیه السلام هیچ‌یک از فرزندان را طرد نکردند و جنبه شخصیتی آنها را در نظر گرفتند و تعامل رفتاری مثبتی هم با همه داشتند.

نتیجه

از آنچه گذشت به دست می‌آید که:

اولاً: تکریم در تربیت اخلاقی جایگاه محوری دارد و در متون روایی به‌عنوان عامل زمینه‌ساز در رشد اخلاقی است و نقطه مقابل آن اهانت است که عامل زمینه‌ساز بسیاری از رذایل و گناهان است. ثانیاً: در دوران کودکی که تصویری از خود پدید نیامده است با تکریم تصویر مثبتی از خود پدید می‌آید که زمینه تعالی و کنش‌های اخلاقی را فراهم می‌کند. ثالثاً: وقتی که مثلث افکار (انتظارات واقع‌بینانه)، احساس (پذیرش و محبت) و رفتار (تعامل مثبت) والدین و مربیان نسبت به کودک به‌درستی شکل گیرد زمینه تکریم در کودک پدید می‌آید. رابعاً: برنامه اولیه برای تکریم در محور افکار، ایجاد آگاهی و انتظار واقع‌بینانه و در محور احساس، پذیرش و عاطفه مثبت و در محور رفتار، تعامل مثبت با توجه به ویژگی‌های رشدی است. خامساً: شکل‌گیری تکریم زمینه‌ساز صفات اخلاقی مثل صبر و استقامت، تکلیف‌پذیری، همت، شجاعت و ... می‌شود.

درنهایت به نظر می‌رسد نباید از تأثیر تربیت تکریم محور در چرخه احساس و افکار و رفتار در مقاطع سنی نوجوانی و جوانی غافل شد که این می‌تواند موضوع تحقیق پژوهش‌گران باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. امامی، محمد و سید ابوالقاسم حسینی زیدی، محمد شمس‌الدین دیانی؛ ۱۳۹۶، «ابعاد تربیت فرزند در احادیث معصومان (علیهم‌السلام)»، *آموزه‌های حدیثی*، شماره ۱۲۵، ص ۹۹ - ۱۲۳، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۴. انصاری، حسن و مسعود جان بزرگی، ۱۳۹۵، «بررسی ارتباط خود پنداره با خدا پنداره در درمان مذهبی (معنوی) اختلالات روانی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، شماره ۱۹، ص ۱۱۵ - ۱۳۰، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. آریان، حمید و محمدمهدی مشایخی، ۱۳۹۸، «کرامت ذاتی انسان در قرآن و مؤلفه‌ها و لوازم وجودی»، *مجله قرآن شناخت*، شماره ۲، ص ۳۷ - ۵۵، قم، مؤسسه امام خمینی.
۶. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان‌العرب*، ج ۱۲، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۷. باقری، خسرو، ۱۳۹۲، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۸. بهروز، صمد و محمدعلی رضایی اصفهانی، ۱۳۹۵، «تفسیر آیه کرامت و رفع تعارض نمایی آن با اوصاف نکوهیده انسان»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۲۶، ص ۱۱۷ - ۱۳۶، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
۹. پسندیده، عباس، ۱۳۹۵، «روایات سبع سنین در فرزند پروری، گونه‌ها و تحلیل درونی آنها»، *علوم حدیث*، شماره ۸۱، ص ۳ - ۲۴، قم، دارالحدیث.
۱۰. پسندیده، عباس؛ ۱۳۹۱، «چیستی «حُسن خلق» و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی»، *علوم حدیث*، شماره ۶۶، ص ۴۹ - ۷۰، قم، دارالحدیث.
۱۱. پسندیده، عباس، ۱۳۹۴، «پایه نظری موعظه پذیر (آعاذ) براساس قرآن و حدیث»، *پژوهشنامه اخلاق اسلامی*، شماره ۲۸، ص ۱۱۷ - ۱۳۸، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات.
۱۳. جان بزرگی، مسعود، ۱۳۸۹، *آموزش اخلاق به کودکان*، تهران، ارجمند.
۱۴. حسینی زاده، سید علی، ۱۳۹۱، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در تربیت فرزند*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. حاجی علیان، نیره و خسرو باقری، محمدرضا شرفی، سید مهدی سجادی، ۱۳۹۴، «کرامت انسانی زیربنای تربیت اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، شماره ۱۸، ص ۶۳ - ۷۶، قم، مؤسسه امام خمینی.
۱۷. حاجی بابائیان امیری، محسن، ۱۳۹۱، *روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام*، تهران، سروش.
۱۸. جerald، کوری، ۱۳۹۹، *نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی*، تهران، ارسباران.
۱۹. رندی جی. لارسن، ۱۳۹۵، *حوزه‌های دانش درباره ماهیت انسان*، ترجمه جمهوری فرهاد، تهران، رشد.
۲۰. داودی محمد، ۱۳۹۰، *تربیت اخلاقی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مکتبه المرتضویه.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، لغتنامه، قم، هجرت.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. گاربر، استفن، ۱۳۹۲، *چگونه با کودکان رفتار کنیم*، ترجمه دکتر هومن حسینی نیک و همکاران، تهران، مروارید.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۳، *میزان الحکمه*، قم، دارالحديث.
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوارالجماعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۸. مهدوی، حسین، ۱۳۹۲، *پایان‌نامه الگوی فرزند پروری براساس آموزه‌های اسلامی و تبیین روان‌شناختی آن*، قم، مؤسسه امام خمینی.
۲۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۰. هاشمی خویی، حبیب الله بن محمد، ۱۴۰۰ ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۳۱. یدالله‌پور، بهروز، ۱۳۸۸، «معناشناسی کرامت در قرآن»، *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، شماره ۲، ص ۱۱۹.

